



اتاق جنگ در خزانه داری آمریکا

مریم اصغرپور و جوان میرزا

978964771797

۵۵۰۰۷۷۵

.....	۷۵۲
.....	۷۷۲
.....	۵۶۲
.....	۵۱۶
.....	۶۶۶

فهرست

.....	۷۹۶
.....	۷۰۶
پیش‌گفتار: «جنگ پنهان»	۹
مقدمه: حکم مگاریابی نوین	۱۵

بخش اول: شالوده

۱. نوع جدید جنگ	۳۱
۲. ردپاهای مالی	۶۵
۳. آب در لانه مورچه	۸۹
۴. گلوگاه مالی	۱۱۷

بخش دوم: الگوی جدید

۵. ماهی بادکنکی	۱۵۵
۶. بانک‌های بد	۱۷۵
۷. مادر همه تحقیقات مالی	۲۰۱
۸. تجدید حیات	۲۳۷

بخش سوم: درگیری‌های مالی

- ۹. «به در بگویی که دیوار بشنود» ۲۵۷
- ۱۰. بیداری ۲۷۷
- ۱۱. گذشته بر نمی‌گردد ۲۹۵
- ۱۲. افشا ۳۱۵
- ۱۳. کمپین اعمال فشار ۳۳۳

بخش چهارم: سازش

- ۱۴. بازگشایی کتابچه تحریم ۳۶۷
- ۱۵. منحنی یادگیری ۴۰۷
- ۱۶. جنگ‌های مالی آینده ۴۳۵
- سخن آخر: درس‌هایی از به‌کارگیری قدرت مالی ۴۷۷

پیش‌گفتار «جنگ پنهان»

در هشتم اکتبر ۲۰۱۲، رئیس‌جمهور ایران محمود احمدی نژاد، علناً اظهار تأسفک کرد که اقتصاد ایران مستقیماً مورد حمله قرار گرفته و در نتیجه این حملات فروش نفت قطع شده، نقل و انتقالات بانکی ممنوع گردیده و ارزش ریال ایران و ذخایر ارزی کشور به شدت کاهش یافته است. او به صراحت اقرار کرد: «دشمن تمامی قوایش را تجهیز کرده تا تصمیمات خود را بر ایران تحمیل کند؛ بنابراین جنگ پنهان وسیعی در سطح جهانی در راه است ... باید بدانیم که جنگی که به راه خواهد افتاد نوعی از جنگ است که دشمن تصور می‌کند از آن طریق می‌تواند ملت ایران را شکست دهد.»

حق با احمدی نژاد بود. در دهه‌ی گذشته، آمریکا به نوعی جنگ مالی جدید روی آورده که از لحاظ وسعت و تأثیر بی‌سابقه است. این «جنگ پنهان» اغلب اوقات کم‌اهمیت در نظر گرفته شده یا مورد سوء برداشت قرار می‌گرفت، ولی حالا دیگر موضوعی محرمانه نیست و محور اساسی سیاست امنیت ملی آمریکا شده است. آمریکا با اعمال فشارهای مالی، دشمنان اصلی خود در این برهه از تاریخ را از لحاظ مالی تحت فشار قرار داده و به انزوا کشانده است؛ دشمنانی مانند القاعده، کره شمالی، ایران، عراق و سوریه. این اقدامات دیگر فقط شامل تحریم‌های کلاسیک و یا محدودیت‌های تجاری مرسوم نیستند، بلکه مجموعه جدیدی از

استراتژی‌های مالی را دربرمی‌گیرند که سیستم‌های مالی و تجاری بین‌المللی را تحت کنترل درمی‌آورند تا دشمنان سرکش را به انزوا کشانده و جریان‌های مالی آن‌ها را محدود کنند و در نتیجه، آنها را دچار مشکلات واقعی کنند. دشمنان آمریکا در یافته‌اند که بر اثر اعمال نوعی سیاست مالی جدید ضربه خورده‌اند و تأثیرات دردناک این سیاست را احساس کرده‌اند.

تأمین مالی و نقل و انتقال پول در سطح جهان برای القاعده دشوارتر، پرهزینه‌تر و پر مخاطره‌تر شده است و این گروه تروریستی مجبور شده است راه‌های جدیدی برای تأمین مالی جنبش خود پیدا کند. اسنادی که از محل اقامت اسامه بن لادن در ابوت آباد پاکستان به دست آمده نشان دهنده تلاش‌های این رهبر تروریست برای یافتن منابع جدید تأمین مالی است. این تلاش‌ها امر تازه‌ای نبود، بعد از یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ القاعده به شدت تلاش کرد هسته تأمین مالی خود را حفظ کند. القاعده در بیانیه‌های مکرر - خطاب به حامیان خود و گهگاه نیز برای مصارف داخلی - اقرار می‌کرد دچار ضربه‌ی مالی شده است. در نهم ژوئیه ۲۰۰۵، ایمن الظواهری، مرد شماره‌ی ۲ القاعده در آن زمان با ذکر این جمله که «بسیاری از خطوط [کمک‌های مالی] قطع شده است» از ابوموسی الزرقاوی، رهبر القاعده در عراق تقاضای کمک مالی کرد.

اقدامات صورت گرفته علیه کره شمالی نیز تأثیراتی مستقیم و سریع داشته‌اند. به دنبال فشار مالی بی‌سابقه‌ای که رژیم کره شمالی بر اثر تحریم‌های بین‌المللی تجربه کرده بود، حساب‌های بانکی و فعالیت‌های مالی غیرقانونی این کشور با خطر مواجه شدند. یکی از مذاکره‌کنندگان کره شمالی در آن زمان محرمانه به یکی از کارمندان ارشد کاخ سفید گفت: «شما بالاخره راهی برای ضربه زدن به ما پیدا کردید.»

ایرانی‌ها هم از تأثیرات اقتصادی حملات هدفمند مالی صدمه دیده‌اند. اکبر هاشمی رفسنجانی رئیس‌جمهور سابق ایران، در ۱۴ سپتامبر ۲۰۱۰، از مجلس خبرگان خواست تحریم‌های دشوار و فشارهای مالی اعمال شده توسط آمریکا و جامعه‌ی جهانی را جدی بگیرند. او گفت: «در تمام طول عمر انقلاب، هیچ وقت با این حجم از تحریم [علیه ایران] رو به رو نبوده‌ایم و من از شما و همه مقامات می‌خواهم این تحریم‌ها را جدی بگیرید و شوخی تلقی نکنید. در طول ۳۰ سال

گذشته درگیر جنگ و تهدیدات نظامی بوده‌ایم، ولی هرگز شاهد چنین شدت عملی برای برنامه‌ریزی حمله‌ای حساب شده به ایران نبوده‌ایم.» موسی نعیم، روزنامه‌نگار، گفته است: «فشارهای مالی علیه ایران بسیار مؤثر و تحریم‌ها بسیار بسیار پر قدرت‌اند. این تحریم‌ها پیچیده‌ترین تحریم‌های اقتصادی و مالی‌ای هستند که تاکنون بر کشوری تحمیل شده‌اند.»

تمامی این حملات علیه دشمنان آمریکا از طرحی برای جنگ مالی سرچشمه می‌گیرند که سال‌ها پیش توسط آمریکا تدوین شد. این جنگی است که با استفاده از ابزارها و فشارهای مالی و نیروهای بازار پیش برده می‌شود تا با اهرم قرار دادن بخش بانکی، منافع بخش خصوصی و سرمایه‌گذاران خارجی، دشمنان سرکش را از نظام مالی و تجاری بین‌المللی منزوی سازد و منابع مالی آنان را قطع نماید. این کتاب به توضیح این دوران جدید از جنگ مالی می‌پردازد. این جنگ بعد از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ شروع شد، یعنی زمانی که دولت آمریکا این تکنیک‌ها را برای مقابله با تروریست‌ها، رژیم‌های حکومتی فاسد و سایر فعالان مالی غیرقانونی طراحی کرد. این توانایی - که در فاصله‌ی بین دیپلماسی و جنگ مسلحانه قرار دارد - بیش از پیش ابزاری برای حفظ امنیت ملی آمریکا شده است. در حال حاضر آمریکا می‌تواند از این تکنیک برای مقابله با خطرناک‌ترین تهدیدات امنیت ملی خود استفاده کند، تهدیداتی از جانب گروه‌های تروریستی و جنایتکاران بین‌المللی گرفته تا کره شمالی و ایران.

این کتاب سرگذشت گروهی کوچک از مقامات وزارت خزانه‌داری و سایر نهادهای دولتی آمریکا است که این نسل جدید از قدرت مالی را طراحی کرده‌اند. این استراتژی‌ها پنهانی و با هدف ایجاد تغییرات جدیدی در روش استفاده از ابزارهای مالی طراحی شده‌اند. از این ابزارهای مالی همچنین برای احیای وزارت خزانه‌داری که سعی داشت در زمینه‌ی تلاش برای پرداختن به موضوعات مرتبط با امنیت ملی، معتبر باقی بماند استفاده شده است. از دل یک وزارت خزانه‌داری تضعیف شده و یاغیان بروکراتیک - چریک‌های کت و شلوار - چشم‌اندازی جدید برای امنیت ملی شکل گرفت که در آن بخش خصوصی می‌تواند در جهت تأمین منافع آمریکا به منزوی کردن رژیم‌های ناقض قوانین بین‌المللی کمک کند. وزارت خزانه‌داری می‌تواند با کمک بانکداران و مؤسسات مالی، اقداماتی